

رابرت ن. مک کونلی
ای. توماس لاوسون

رویکرد شناختی به مناسک

بنیادهای روانشناختی فرم‌های فرهنگی

ترجمه جبار رحمانی

عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی

رضا اسکندری



- سرشناسه : مکولی، رابرت ان، ۱۹۵۲-م. McCauley, Robert N., 1952 -
عنوان و نام پدیدآور : رویکرد شناختی به مناسک: بنیادهای روانشناختی فرم‌های فرهنگی / رابرت ن.
مک کوئلی، ای. توماس لاوسون؛ مترجمان جبار رحمانی، رضا اسکندری.
مشخصات نشر : تهران: اندیشه احسان، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری : ۳۶۴ ص: ۱۴×۲۱ س.م.
شابک : ۹۷۸-۶۲۲-۷۳۰۳-۰۳-۲
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : عنوان اصلی: Bringing ritual to mind : psychological foundations of cultural forms, 2002.
عنوان دیگر : بنیادهای روانشناختی فرم‌های فرهنگی.
موضوع : آیین‌ها -- روان‌شناسی - Psychology -- Ritual
موضوع : روان‌شناسی مذهبی - Psychology, Religious
موضوع : فرهنگ و شناخت - Cognition and culture
شناسه افزوده : لاوسن، ای. تامس - Lawson, E. Thomas
شناسه افزوده : رحمانی، جبار، ۱۳۵۹ - مترجم
شناسه افزوده : اسکندری، رضا، ۱۳۶۴ - مترجم
رده بندی کنگره : ۳۶۴.۱۳۸۱۹
رده بندی دیویی : ۳۶۴.۱۳۸۱۹
شماره کتابشناسی ملی : ۶۱۳۲۵۵۹



رویکرد شناختی به مناسک (بنیادهای روانشناختی فرم‌های فرهنگی)

تالیف: رابرت ن. مک کوئلی، ای. توماس لاوسون

ترجمه جبار رحمانی (عضو هیئت علمی مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی)، رضا اسکندری

نوبت چاپ: اول ۱۴۰۱ شمارگان: ۵۰۰ قیمت: ۱۸۲۰۰۰ تومان

طراح و گرافیک: فرشید خالقی چاپ: هوران

آماده‌سازی و تولید: انتشارات اندیشه احسان

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکثیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزاً (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

دفتر نشر: تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، طبقه ۲، واحد ۵۰۷

تلفن: ۶۶۴۶۶۰۰۲ - تلگرام: ۹۱۹۱۵۵۱۸۰۲ - سایت: www.andishehehsan.com

فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، طبقه همکف، واحد ۳۱۷



andishe_ehsan



sociologybookstore - ۶۶۴۶۶۰۰۱ تلفن:

فهرست مطالب

پیشگفتار	۱۱
فصل اول: موانع شناختی در شکل مناسک دینی تئوری توانش	
شرکت کننده با سیستم های مناسکی دینی	۱۹
تناقض ها، پیچیدگی ها و مسائل تبیینی	۱۹
دیگر پیچیدگی ها در رابطه با مناسک	۲۳
نظریه های توانش و تحقیق تجربی	۲۴
نقشه راهی برای این کتاب	۲۷
تئوری توانش مناسک دینی	۳۱
سیستم بازنمایی کش	۳۵
یک مفهوم تکنیکی از «مناسک دینی»	۳۹
مولفه ها، خواص و ویژگی های عناصر دینی	۴۴
کش های فعال کننده	۴۷
عاملیت، «عامل های فرانسسانی مفروض از لحاظ فرهنگی»، و خصوصیات	
غیرشهودی	۵۶
توصیف شناختی از ویژگی های متفاوت مناسک دینی	۶۱

سیستم بازنمایی کنش و ترکیب مناسب و تأثیرگذاری مناسک دینی.....	۶۶
تمایز اصل عاملیت فراتسانی بین انواع دسته‌بندی‌های مناسکی و سه جزء مناسکی.....	۶۸
شرح اصل ضرورت و بی‌واسطگی فراتسانی مناسک تشرف اولیه برای یک عامل فراتسانی مفروض از لحاظ فرهنگی و مرکزیت (تطبیقی) مناسک.....	۷۴
نتیجه‌گیری.....	۷۷

فصل دوم: مناسک و حافظهٔ تناوب و جرقه‌ها.....

ساختارهای شناختی انتقال فرهنگی.....	۸۱
رویکرد معرفت‌شناختی اسپربر.....	۸۵
محتویات و خواص پویایی‌بخش سیستم‌های مناسک دینی: دو جاذب.....	۸۸
بررسی اجمالی فصل.....	۹۴
حافظه و تأثیرات تناوب برای عناصر فرهنگی: یافته‌های روان‌شناختی.....	۹۸
جرقه‌های حافظه و یادآوری و تمایز یافته برای کنش.....	۱۱۰
جرقه‌های حافظه.....	۱۱۱
پرسش از دقت.....	۱۱۷
محدودیت‌های اجتماعی بر تولید بازنمایی‌های فرهنگی.....	۱۲۵
شکندگی دانش در میان مردم اوکی ساکن کوهستان: کدگذاری قیاسی.....	۱۲۵
تأثیرات اجتماعی بر (باز) تولید مناسک مردم اوکی.....	۱۳۴
حافظه برای مناسک در بین بکتمان‌ها.....	۱۳۸
فاکتورهایی که به ثبات مناسک کمک می‌کنند.....	۱۳۸
فرضیهٔ هشداردهندهٔ شناختی و مناسک تشرف و پاکشایی بکتمان.....	۱۴۷
یک جمع‌بندی تحلیلی: آماده‌شدن برای حرکت از پویایی‌های خاطره به الگوهای دینی.....	۱۵۹

فصل سوم: دو نظریه دربارهٔ مناسک مذهبی و انگیزش هیجانی.....

مردم‌نگاری وایت‌هاوس.....	۱۶۷
پومپو کیوونگ.....	۱۶۹

گروه انشعابی.....	۱۷۶
نظریه جذبه حسی، رمزنگاری و تناوب مناسکی.....	۱۸۵
زمان‌های هیجان.....	۱۸۸
دو شیوه دین‌ورزی.....	۱۹۲
فرضیه تناوب مناسک.....	۲۰۲
برقراری ارتباط میان جذبه حسی و برانگیختگی هیجانی با صور مناسک مذهبی...۲۰۷	۲۰۷
مناسک مذهبی و انگیزه.....	۲۰۸
گونه‌شناسی تجدیدنظرشده مناسک مذهبی.....	۲۱۰
فرضیه فرم و صورت یا فرم مناسکی.....	۲۱۵
مناسک دارای عامل خاص.....	۲۱۹

فصل چهارم: ارزیابی دو فرضیه..... ۲۲۷

مروری بر این فصل.....	۲۲۷
تناوب‌های اجرا، نرخ‌های اجرا و عمق نظری.....	۲۳۰
تدوین معیار تناسب برای اجرای مناسک: فرصت‌های مشاهده.....	۲۳۲
تدوین یک معیار تناسب برای مناسک مذهبی: مشارکت.....	۲۳۴
رویکردی پیچیده‌تر در قبال فرضیه تناوب.....	۲۳۶
یک میان‌پرده کوتاه: وارونه‌سازی پیامدهای یک منسک.....	۲۳۹
معیار کمترین ارتباطات مستقیم.....	۲۴۲
مشکل اندازه‌گیری تناوب‌های اجرای مناسک.....	۲۴۵
چرا تمام ویرایش‌های فرضیه تناوب مناسکی، باید اصول نظری زیربنایی نظریه شایستگی در مناسک را مفروض بدارند.....	۲۴۷
شواهد تجربی: مشکلات ثبات و همگونی در شیوه‌های دین‌ورزی.....	۲۵۰
مشکلات همگونی.....	۲۵۲
دو توضیح.....	۲۵۳
مشکلات ثبات.....	۲۵۴

۲۵۷	راه‌حل‌های مشکلات
۲۶۱	شواهد تجربی: مناسک غیرمتناوب، زوج و دارای بیمار خاص
۲۶۲	چهار خانه شکل ۴-۳
۲۶۵	نمونه‌هایی از مناسک مذهبی‌ای که در خانه ۲ جدول قرار می‌گیرند
۲۷۵	بیرامون امکان‌پذیری مناسک متناوب، فرد و دارای عامل خاص
۲۷۷	دو امکان برای درهم‌شکستن مانع مفهومی
۲۷۸	تکامل نظام مناسکی گروه انشعابی
۲۸۵	گردهم‌آیی‌های حلقه‌ای
۲۹۲	درگذشتن از مانع مفهومی
۳۰۰	شواهد تجربی: مناسک متناوب، فرد و دارای عامل خاص
۳۰۱	تبیین زمان مناسک برای مقایسه دو فرضیه
۳۰۳	تکامل قرأت دارای عامل خاص مراسم فرقه حلقه در دوره گروه انشعابی
	مقایسه جذبه حسی همراه با مناسک دارای عامل خاص در تقابل با مناسک دارای بیمار خاص طی دوره گروه انشعابی
۳۰۵	

فصل پنجم: نیم‌رخ‌های عمومی نظام‌های مناسک مذهبی ظهور علم

۳۱۱	شناختی مذهب
۳۱۱	بررسی اجمالی فصل
۳۱۷	روندهای موجود در ابداعات مناسکی
	مشکل تشریح سطح جذبه حسی متناظر با اجراهای گروه انشعابی از مناسک پرمیو کیوونگ
۳۱۸	
	قیود و محدودیت‌های روان‌شناختی نظام‌های مناسک مذهبی و برتری مناسک دارای عامل خاص
۳۲۰	
۳۳۲	یک نوع از نظام‌های مناسک مذهبی نامتوازن
۳۳۴	بی‌ثباتی‌ها در برخی از نظام‌های مناسک مذهبی
۳۳۷	نمودار فاز چرخه‌های گروه انشعابی در دادول

پیشگفتار

تقریباً اندکی بیش از یک دهه قبل، ما کتابی با عنوان «بازاندیشی در دین: رابطه فرهنگ و شناخت» منتشر کردیم که در آن تلاش کردیم رویکرد علوم شناختی در مطالعه دین را طرح و ارائه دهیم. در میان همه آن‌هایی که در کمپ دانشگاه به مواجهه میان علوم انسانی و علوم شناختی کمک کردند، هرکس می‌داند که بهترین کار در هر زمینه‌ای برای رسیدن به ایده‌های الهام‌بخش و اصلاح کارهای قبلی به‌طور مرتب کارهای دیگر را زیر نظر دارد. هدف ما حذف و تعویض کارهای سنتی در حیطه مطالعات دین نیست، بلکه هدف ما حمایت از آن‌هاست. اگر به‌نظر می‌رسد که کار ما از معیار علمی بودن فاصله بسیاری دارد، این مسئله صرفاً به‌خاطر آن است که ما می‌خواهیم این سردرگمی را تصحیح کنیم (سردرگمی در استراتژی و رهیافتی که امر خاص را بر امر عام، امر معطوف به شرایط خاص را بر امر سیستماتیک و رویکرد تفسیری را به رویکرد تبیینی ترجیح بدهد - همان‌طور که اگر ما بتوانیم، هر کدام از آیتم‌های این دوگانه‌ها را مجزا از دیگران مشخص نکنیم-). آنچه که ما باید انجام بدهیم این است که به عقاید دفاعی غالب و رسمی در علوم انسانی و به خصوص محققان حوزه دین در باب آن موضوعاتی پایان بدهیم که مدعی اند علوم جدید

هیچ وقت نمی توانند آن‌ها را به‌طور خلاقانه‌ای مورد بحث قرار بدهند. چه کسی می‌داند که علوم چه چیزی را می‌توانند یا نمی‌توانند خلاقانه بررسی کنند؟ تنها گذر زمان و انبوهی از تلاش‌های جدی می‌تواند به این مسئله پاسخ بدهند.

لازم است تأکید کنیم که این ایده‌ها، ناشی از اطمینان بی‌مورد در باب واقعیت پروپوزال‌هایی که مطرح کرده بودیم، نبود (آنچه که برای ما ورای همه موارد اهمیت داشت، مقولات و موضوعات تجربی بود). آنچه که می‌تواند در این میان به شدت کلافه‌کننده باشد مشکلات بسیاری است که با نظریه‌های قابل آزمایش در این قلمرو مرتبط هستند. به همین دلیل صرفاً اجازه بدهید آن‌ها را آزمایش کنیم. بهتر است به جای اطلاعات ناامیدکننده که سبب دلسردی برخی ابتکارات می‌شود، محققان دین باید به استقبال تحلیل‌هایی بروند که هم‌زمان به دنبال افزایش درک نظری و پاسخ‌گویی تجربی برای فهم و تحلیل مسائل حوزه مطالعات دین هستند. هدف اصلی ما در این کتاب این است که اندکی این تلاش‌های جدی را جلو ببریم.

در این کتاب ما کارمان را با تمرکز بر مناسک ادامه دادیم (برای ما مهم‌ترین تحولات و پیشرفت‌ها در دهه گذشته این بود که کسانی مانند پاسکال بویور (۱۹۹۴ و ۲۰۰۱) در زمینه نظریه‌های شناختی در باب سایر جنبه‌های تفکر و تجربه دینی کارهای بسیار جدی‌ای انجام داده‌اند). با اعمال یک نظریه زبان‌شناختی در کتاب «بازاندیشی در دین» ما ایده «توانش مناسک مذهبی در مشارکت‌کنندگان» را ارائه کردیم، نظریه‌ای در باب اینکه این مشارکت‌کنندگان دانش ضمنی‌ای درباره نظام‌های مناسک مذهبی خودشان دارند. ما از این ایده دفاع کردیم که این توانش کاملاً بر مکانیسم‌ها و دستگاه‌های شناختی عادی‌ای مبتنی است که عموماً مختص بازنمایی عامل‌ها و کنش‌ها به‌طور عام بوده، نه فقط اینکه صرفاً به عامل‌ها و کنش‌های مذهبی مختص باشد.

محتوای اصلی این نظریه بر دو اصل متکی بود: اصل عاملیت فرانسسانی و اصل بی‌واسطگی فرانسسانی، که همراه با هم مفروضات مشارکت‌کنندگان در باب نقش عامل‌های فرانسسانی مفروض از لحاظ فرهنگی در کنش‌های مناسکی

خودشان را نشان می دهند. خلاصه آنکه مدعای ما این است که مشخصه های آن مفروضات مهم ترین عامل در فهم عمومی مشارکت کنندگان از فرم های مناسبی شان بوده، همچنین مهم ترین عامل برای این است که فرم و صورت مناسبک مذهبی، یک متغیر حیاتی و کلیدی در تعیین دسته ای از مشخصه های سیستم مناسبی در هر مذهبی است. ما محتوای اصلی این تئوری را در نیمه دوم فصل یک، جمع بندی کردیم.

قوت و استحکام هر نظریه ای در آزمون های جدی است که نشان دهنده استواری آن در برابر مستندات تجربی است. این نکته، هدف ما در این کتاب است و عمیقاً یک ایده میان رشته ای است. رشته های بسیاری تفکر و عملکرد انسانی را مورد بررسی قرار داده اند. بنابراین مدارک مرتبط معتبر می توانند از جهات مختلفی مطرح شوند. ما تأکید بسیاری بر تحقیقات تجربی در روان شناسی شناختی (به خصوص در فصل دوم) خواهیم داشت. در مواضع و مباحث مختلف به یافته های تجربی از روان شناسی رشد، روان شناسی اجتماعی، عصب-روان شناسی ارجاع خواهیم داد. همچنین داده ها و مواد بسیاری از انسان شناسی فرهنگی و مطالعات دین را به کار خواهیم برد.

در توضیح نظریه ما در این کتاب، بر مواردی از نظام های مذهبی تکیه خواهیم کرد که به نظر ما بسیار شبیه تکتور گسترده تجربه ها و دانش مذهبی مخاطبان ما هستند. بنابراین ما ارجاعات ضمنی بسیاری به تجارب مناسبی از ادیان غربی (غرب آسیا) به ویژه مسیحیت و در برخی موارد یهودیت و اسلام خواهیم داشت. همچنین در برخی موارد ارجاعات ضمنی به مناسبی که هر دوی ما با آن ها به خاطر تحقیقات مان در هند و آفریقا آشنا هستیم، خواهیم داد. برخی از مهم ترین مستندات نظریه ما در این کتاب، از مناسبک باستانی ودایی گرفته شده است.

دو نمونه اصلی مورد تمرکز و تأکید ما، از ملانزی گرفته شده است. دو دلیل برای این کار وجود دارد: اول، ما تمام داده های مرتبط با تحقیقات ملانزی را در کتاب «بازاندیشی در دین» مورد استفاده قرار ندادیم. دوم اینکه هر دو

پژوهش مردم‌نگارانه مورد بحث در این کتاب، اثر فردریک بارث با عنوان «مناسک و دانش در میان بکتمان‌های گینه نو» و اثر هاروی وایت‌هاوس با عنوان «درون یک فرقه» بر ارتباط میان مناسک، عاطفه و خاطره تأکید دارند که این‌ها مقولات مرکزی مورد تأکید ما هستند.

بیش از هشت سال قبل، وقتی ما ایده اولیه این کتاب را آماده می‌کردیم، پاسکال بویِر، کسی که ما یکی دو سال قبل او را ملاقات کردیم، به ما اطلاع داد که دوست انسان‌شناس او در بریتانیا، هاروی وایت‌هاوس، روی موضوع مشابهی کار کرده است. بعد از خواندن مقالات اولیه هاروی، به ویژه مقاله «ادیان خاطره‌برانگیز: انتقال، رمزگذاری و تغییر در زمینه‌های فرعی ملانزی» (وایت‌هاوس ۱۹۹۲)، این ترس را پیدا کردیم که شاید ما کار بیهوده‌ای را انجام می‌دهیم. به هر حال با مطالعه بیشتر کارهای او، این نکته برای ما آشکار شد که نظریه ما متفاوت از کار او بوده و در اغلب موارد پیش‌بینی‌های متمایز و غیر قابل مقایسه‌ای را دربردارد. بعدها ما هاروی را در کنفرانسی در دانشگاه کمبریج در دسامبر ۱۹۹۳ ملاقات کردیم. با شنیدن برخی از روایت‌هایی که امروزه مردم‌نگاری بسیار جذاب و خلاق او (درون یک فرقه) را می‌سازند، ما وقتی شوکه شدیم که فهمیدیم با نظریه ما می‌توان بخش‌های ناگفته بیشتری از این داستان را حدس زد، چیزهایی که هاروی در گفت و گوهایش به‌طور شفاهی به ما گفت. انتشار آن کتاب در ۱۹۹۵ به ما این فرصت را داد که داده‌ها و مستندات هاروی را به دقت و عمق بیشتری بررسی کنیم. واضح است که مردم‌نگاری هاروی و ایده و تز او در کتاب جدیدش با عنوان «مجادله‌ها و آیگون‌ها» تأثیرات و الهام‌بخشی‌های خاص خودش را داشته است.

در همان زمان ما نوشته‌ای از یکی از دانشجویان دانشگاه کورنل در روان‌شناسی تجربی به نام آستین بارت دریافت کردیم. آستین آن مقاله را با همکاری فرانک کیل در زمینه‌ای نوشته بود که ما شدیداً بدان علاقه‌مند بودیم. این مقاله نوآورانه، با عنوان «مفهوم‌پردازی وجود غیر-طبیعی: انسان‌نگاری در مفاهیم خدایان» (بارت و کیل ۱۹۹۶)، چیزهای بسیاری را به ما آموخت، که

یکی از مهم‌ترین نکاتش این بود که در آن‌ها شواهد تجربی مستندی از روان‌شناسان شناختی وجود داشت که علاقه اولیه و اصلی آن‌ها بنیادهای شناختی مذهب بود. آستین به شیوه ای بسیار جدی، تجربیات بسیار خاصی را مدنظر قرار داده بود، تا مدلی را برای سنجش نتایج نظریه‌های ما، هاروی و پاسکال طراحی کند. در خروجی کارش او همراه با پاسکال به این نتیجه رسیده بود که این تجارب و مفهوم‌پردازی و نظریه‌سازی از آن‌ها در فرهنگ‌های مختلف اهمیت بنیادینی دارند. درحال حاضر او کارهایی را در آمریکای شمالی، اروپا، هند و آفریقا انجام می‌دهد. او نه تنها به دنبال مطالعه روان‌شناسی شناختی تجربی مذهب است، بلکه به دنبال روان‌شناسی شناختی تجربی میان‌فرهنگی نیز هست. پس از چندسال، کارهای آستین او را به عنوان یکی از صاحب‌نظران به نام این حوزه شناسانده است.

در طی این چندسال، آنچه که رخ داده مباحثه‌های ادامه‌دار در تبادلات منظم ایمیل‌ها بود که گاه با گفت‌وگوهای رودررو با پاسکال، هاروی و آستین همراه می‌شد؛ از خلال این گفت‌وگوها ما ایده‌های مطرح‌شده در این کتاب را دنبال می‌کردیم. ما بی‌اندازه از این مباحثات و گفت‌وگوها نفع بردیم.

آستین به مباحث ما در این زمینه، مذاقه‌های زیرکانه یک محقق و عالم تجربی را اضافه کرد که ناشی از دانش عمیق او در کارهای روان‌شناسی تجربی (شناختی، اجتماعی و تحولی) بود. استفاده از اشکال و نمودارها در این کتاب به پیشنهاد آستین بود و به ما کمک کرد تا به انحاء مختلف تفاوت‌ها و ارتباطات میان نظریات خودمان و هاروی را بیان کنیم.

قبل از همه پاسکال بود که پیشنهاد تألیف این کتاب را به ما داد. او با بزرگواری، هر فصل این کتاب را چندین مرتبه خواند و هربار نکات و توضیحات بسیار مفیدی را به ما ارائه می‌کرد. او پیشنهادات نابی را برای ساده و مؤثر کردن برخی از مفاهیم تخصصی ما ارائه کرد. پیشنهادات او نقشی کلیدی در این داشتند که ما چگونه مواد و داده‌های ابتدای فصل دوم را سازماندهی

کنیم. او به ما کمک‌های بسیاری کرد تا گزارش خودمان از انتقال فرهنگی را تشریح کنیم و ما را تشویق کرد تا ایده‌های مان در این کتاب را ارائه دهیم.

دوستان ما اعم از دوستان شخصی و سازمانی، از لحاظ شخصی و تسهیلات کاری به ما بسیار کمک کردند. همچنین ما قدردان اجتماعات حرفه‌ای متعددی هستیم که در طی این سال‌ها بخش‌های مختلف این کتاب را در آن‌ها ارائه کردیم، از جمله انجمن آمریکای شمالی در مطالعهٔ دین، جامعهٔ مطالعهٔ علمی دین و انجمن بین‌المللی تاریخ ادیان. همچنین تمایل داریم تا تشکر ویژه‌ای از آکادمی آمریکایی دین برای تأمین اعتبار تحقیقات مشترک داشته باشیم که به ما این کمک را ارائه داد که کامپیوترهای ما تمام‌مدت به مراکز علمی نیمهٔ شرقی ایالات متحده متصل باشند. در سال تحصیلی ۹۹-۱۹۹۸ کالج ایاموری و بنیاد خیریهٔ ملی ماسی ارتین برای علوم انسانی در دانشگاه ایاموری، مشترکاً به مک کوئلی فرصت مطالعاتی‌ای ارائه کردند که طی آن بخش اعظمی از این کتاب نوشته شد. او تمایل دارد تشکر صمیمانه‌اش از این فرصت ارائه‌شده را بیان کند.

نسخه‌های اولیهٔ بخش‌هایی از فصول ۱، ۲ و ۴ در جای دیگری منتشر شده است (لاوسون و مک کوئلی و مک کوئلی ۱۹۹۹ و مک کوئلی ۲۰۰۱).

افراد بسیاری بر ذهن و فکر ما در فرایند این کتاب مؤثر بوده‌اند که امکان نام‌بردن از تک‌تک آن‌ها وجود ندارد. باید از مخاطبان مان در دانشگاه واشینگتن، دانشگاه تورکو، دانشگاه ماربورگ، دانشگاه بن، دانشگاه آزاد برلین، دانشگاه ورمونت، دانشگاه دولتی جورجیا، دانشگاه واترلو، و دیپارتمان روان‌شناسی و انسان‌شناسی در دانشگاه ایاموری برای تذکرات و حاشیه‌ها و انتقاداتی که طی ارائه‌های مختلف مان داشتند، تشکر کنیم. از تمام کسانی که به نحوی در این کار به ما کمک کردند، متشکریم. تمایل داریم که از آدله آبراهامسن، ویکو آنتونن، لاری بارسالو، فردریک بارت، بیل بچتل، روبین فیووش، مارشال گرگوری، استیوارت گوتری، میشل هاوسمن، مارک جانسون، ظیوا کندا، برایان مالی، لوتر مارتین، اولریک نیسر، چارلز ولز، ایکا پیسیانن، مارک ریسجورد،